

نامتی را از چهارشنبه آخر سال بزاداییم



در روزگاری که چندان دور از امروز، مردم کشورمان از این قوم و آن قوم و از کوچک تا بزرگ و از شهری تا روستایی، هر چه به واپسین روزهای استفاده نزدیک‌تر می‌شدند و خود را در چند قدمی چهارشنبه آخر سال و نیز در آستانه بهار فرخنده و طربناک می‌دیدند، نه‌تنها نشاط و شادمانی شان دو چندان می‌شد، بلکه احساس امنیت و آرامش ذهن و روان آنان از روزها و ایام دیگر سال پیشی می‌گرفت.

برای صحنه نهدان بر این مدعا، کافی است یا قدری در خاطرات خود و پدرانمان کسودکاو کنیم یا در ادبیات این مرز و بوم در منابع کتبویی که صاحبان نظر و اندیشه و قلم برایمان به یادگار گذاشته‌اند، اندکی تأمل و لختی درنگ کنیم.

مطمئناً این یاد آوری و تأمل و درنگ از یکسو بلادرنگ حسن نوستالژیک(احساسی سرشار از حسرت گذشته) در هر یک از ما پدید می‌آورد و از دیگر سو ما را ناگزیر از مقایسه‌ای حزن‌انگیز بین این سالیان و سالیان قبل می‌سازد. با چنین قیاسی بلافاصله این پرسش مهم پیش روی ما قد علم می‌کند که چرا امروزه بسیاری از خانواده‌های ایرانی با نزدیک شدن به چهارشنبه آخر سال نه‌تنها احساس وجد و نشاط نمی‌کنند، بلکه در درون‌شان غوغایی برپا می‌شود که نشان از احساسی مملو از نامتی دارد؟ لذت‌بازی به یادآوری نیست که این بیم و هراس و نامتی موجب می‌شود تا بسیاری از خانواده‌ها آرزو کنند کاش یک چهارشنبه آخر سال همچون برق و باد بگذرد و دیگر نیز باز نیاید!

اگر قدری واقع‌بینانه و منصفانه به رخدادهای ناگوار و اندوهناک شب چهارشنبه آخر سال چند سال اخیر، حتی همان میزان اندکی که به سبب رسانه‌های شن، ما از آن آگاه شده‌ایم، بنگریم بی هیچ تردیدی احساس نامتی شمار انبوهی از خانواده‌های محترم کشورمان را موجه از زبانی می‌کنیم و به آنان حق می‌دهیم که دیگر همچون نسل خویش و نسل پیش از خویش نه‌تنها شب چهارشنبه آخر سال را خوشامد نگویند، بلکه آرزو کنند که زود برود و دیر باز آید.

حال با این توضیح مجمل ضروری است از خود بیرسیم

که چه کسی یا کسانی، مسئول تغییر تدریجی ماهیت آیین نشاط‌بخش و خواستنی چهارشنبه آخر سال دیروز و تبدیل آن به مراسمی رعب‌انگیز و اضطراب‌آمیز و نخواستنی امروز هستند.

پیش از ارائه پاسخی روشن به این پرسش، لازم است یادآور شوم که بر اساس شواهد متفن پلیس، افراد نام‌ساز شب چهارشنبه آخر سال در مقایسه با جمعیت عمومی جامعه، شمارشان بسیار اندک و تعدادشان بسیار قلیل است، لیکن اقلیت کم‌اما پر غوغاگر از سوی جامعه کنترل و مدیریت نشوند، با رفتار هیستریک (نمایشگرانه) می‌توانند امنیت عمومی را فرو بپاکنند.

در یک دسته‌بندی می‌توان نام‌سازان شب چهارشنبه آخر سال را به سه گروه تقسیم کرد.

گروه نخست، «سودجویان» آنان خودخواهانی هستند که جز به جیب خویش به چیز دیگری نمی‌اندیشند و لاجرم با تهیه و تولید و توزیع مواد انفجراز و خطر آفرین و پر سر و صدا امنیت عموم مردم جامعه را فدای امیال و سودپرستی‌های خویش می‌کنند.

اینان متأسفانه در فرایند منفعتمطلبی ضداجتماعی خود حد معینی برای خود قائل نیستند و گویی وجدانی نیز ندارند که با مشاهده آسیب‌های جسمی و روانی وارده بر مردم، قدری دچار عذاب و گناه شوند. به همین سبب

در برابر این جماعت سودجو و ناهنجار ناگزیر باید از روش‌های سخت‌بهره گرفت و با اعمال مقتدرانه قانون، مانع از استمرار فعالیت غیر قانونی آنان شد.

دومین گروه نام‌ساز چهارشنبه آخر سال، مبتلایان به شماری از اختلالات شخصیت و ناهنجاری‌های روانی هستند که به شکلی، همچنان طلبی غیر عادی خود را در ارتکاب رفتارهای پرخطر می‌جویند.شواهد بالینی نشان از آن دارند که این گروه به ویژه از اختلالاتی همچون شخصیت‌بی‌ثبات مرزی و منشی‌وندالی و ضداجتماعی رنج می‌برند. واکنش مطلوب و دقیق در برابر این گروه «کنترل و مداوا» است. به همین سبب در همه‌جای دنیا پلیس این‌گونه افراد را دستگیر می‌کند و به مراکز درمانی و اصلاح و تربیت می‌سیارد.

سومین گروه نام‌ساز چهارشنبه آخر سال، نوجوانان پر شور و هیجان هستند که چگونگی مدیریت عواطف و هیجانات شدید و پر تلاطم خود را نمی‌فهمند. اینان همان‌هایی هستند که مبادرت به رفتارهای پر سر و صدا و هیجانی و خطر آفرین می‌کنند. بدون آنکه به پیامدهای دهشتناک و مزمن آن بیندیشند. متأسفانه اینان زمانی متوجه کنش و رفتار ناهنجار خود می‌شوند که دیگر دیر شده‌است. صحیح‌ترین روش مدیریت این گروه «کنترل خانوادگی» و «بازداری اجتماعی» است.
تجارب موفقیت‌آمیز چهار، پنج سال اخیر نشان از آن دارد که با «احساس مسئولیت جمعی» و فردی و هوشیاری و هوشمندی نه‌تنها می‌توانیم نامتی را به کل از مراسم شب چهارشنبه آخر سال بزاداییم و از وقوع هر نوع رخداد ناگوار پیشگیری کنیم، بلکه آن را به فرصتی برای نشاندن لیخنذی خاطره‌انگیز و تبسمی مهرآمیز بر لبان خود و دیگران تبدیل کنیم. برای این منظور کافی است:
۱- سوداگرائی را که با جان و امنیت مردم بسیاری می‌کنند به پلیس معرفی کنیم.
۲- مانع از خرید هر نوع ماده خطر آفرین و پر سر و صدا توسط فرزندان نوجوانمان شویم.
۳- این شب را همچون روزگارن گذشته در کنار خانواده و با نظارت بزرگان محل سپری کنیم.
۴- با فرار از نوازهای تاریکی شب به دیدن بزرگان و دوستان برویم و شادی خود را به منزل منتقل کنیم.

« **معاون اجتماعی نیروی انتظامی**

سارقان میلیاردری خانه‌های تهران در آخرین سرقت بر گه جریمه خودرووشان را در محل سرقت جفا گذاشتند و بدین ترتیب راز سرقت‌های سریالی آنها فاش شد.
به گزارش خبرنگار ما، چندی قبل مردی سراسیمه به اداره پلیس رفت و گفت که سارق یا سارقانی به خانه‌اش دستبرد زده و حدود ۳۰۰ میلیون تومان سرقت کرده‌اند.

شاکی در توضیح ماجرا گفت: امشب همراه خانواده‌ام خانه یکی از بستگانمان شام دعوت بودیم تا اینکه سرقتی قبل به خانه برگشتیم و با صحنه عجیبی روبه‌رو شدیم. تمامی وسایل خانه و کمد‌ها به هم ریخته بود که حکایت از آن داشت سارق یا سارقانی به خانه‌ام دستبرد زده‌اند. بلافاصله به سراغ کمدی رفتم که تمامی طلا و جواهرات و پول‌های نقد را داخل آن نگاهداری می‌کردم که متوجه شدم سارق یا سارقان با تخریب پنجره یا لکن وارد خانه‌ام شده‌اند و تمامی سکه‌ها و طلاها و اموال با ارزشم را سرقت کرده‌اند.

به طرح این شکایت، تیمی از کارآگاهان مبارزه با سرقت منزل به دستور قاضی عموزاد، باز پرس

مردی میانسال که برای سرقت

طلاهای سرفاف دوره گرد او را به قتل رسانده بود، با پرداخت دیه ۴۰۰

میلیون تومانی از سرگ فاصله گرفت.

به گزارش خبرنگار ما، ۲۷ تیرماه سال ۹۱ مأموران پلیس تهران از کشف جسد مردی میانسال داخل کارت‌ن رها شده در خیابان باب همایون باخبر شدند و خود را به آنجا رساندند. بررسی‌های اولیه حکایت از این داشت که مرد میانسال در محل دیگری به قتل رسیده و سپس جسدش به این مکان منتقل شده است. بعد از انتقال جسد به پزشکی قانونی، مأموران پلیس موفق شدند با بررسی دوربین‌های مدار بسته ساختمان‌های اطراف، مردی را که کارت‌ن حامل جسد را به آنجا منتقل کرده بود، بازداشت کنند. اکبر ۵۶ ساله

در شرح ماجرا گفت: یکی از دوستانم که فریادون نام دارد رضا را به من معرفی کرد و گفت که او صرافی دوره گرد است که همیشه با خودش پول و طلا دارد. فریودن به من پیشنهاد داد تا رضا را به قتل برسانیم و پول و طلاهایش را سرقت کنیم که قبول کردم. امروز با رضا در محل کارم قرار گذاشتیم و مطابق نقشه قرار شد که با همدستی فریودن او را به قتل برسانیم. وقتی رضا آمد با هم خریدیم اما خبری از فریودن نشد به خاطر همین خودم به تنهایی او را به قتل رساندم و پول

دادسرای ویژه سرقت برای شناسایی سارقان وارد عمل شدند. در حالی که بررسی‌ها برای شناسایی سارقان ادامه داشت، مأموران با چندین شکایت مشابه روبه‌رو شدند که حکایت از آن داشت، سارقان با شیوه تخریب پنجره یا لکن وارد خانه‌هایی در مرکز، شمال و غرب تهران شده و میلیون‌ها تومان اموال با ارزش شهروندان را سرقت کرده‌اند.

■ سارقان با موتورسیکلت سرقتی از خانه‌ها سرقت می‌کردند

در حالی که هر روز شکایت‌های مشابهی پیش روی تیم کارآگاهان قرار می‌گرفت، مأموران به بررسی دوربین‌های اطراف محل حادثه پرداختند و موفق به شناسایی موتورسیکلت سارقان منزل شدند.

بررسی‌ها نشان داد موتورسیکلت‌هایی که سارقان از آن برای سرقت خانه استفاده می‌کردند، سرقتی بوده است. مأموران در بررسی‌ها دریافتند با سارقان خشن و حرفه‌ای روبه‌رو هستند که قبل از دستبرد به خانه‌ها سه موتورسووار اطعمه قرار داده و به زور موتورسیکلت‌های آنها را سرقت کرده‌اند.

یکی از صاحبان موتورسیکلت‌های سرقتی که در

برگه جریمه خودروی دزدان میلیاردی در محل سرقت جاماند



حادثه زورگیری مح دستش باقمه زورگیران به شدت آسیب دیده بود و قرار است به توصیه پزشکان قطع شود، گفت: با موتورسیکلم در حال عبور از خیابان خلوتی بودم که سه پسر جوان راه مرا سد کردند.

وقتی فهمیدم آنها قصد زورگیری دارند در برابرشان شده را از مرکز پلیس استعلام گرفتند که مشخص شد برگه جریمه متعلق به خودروی است که صاحب آن زین جوانی است. با احضار مالک خودرو به اداره پلیس، کمک رهگذران به بیمارستان منتقل شدم. الان محج دستم به شدت آسیب‌دیده و فلج شده است و به گفته پزشکان اگر مح دستم قطع نشود، عفونت آن به بقیه دستم می‌رسد.

■ برگه جریمه خودروی سارقان در محل سرقت

راز سرقت‌های میلیاردی را بر ملا کرد

در حالی که سارقان همچنان به سرقت‌های سریالی خود از خانه‌هایی در شمال، مرکز و غرب تهران ادامه می‌دادند، مأموران از سرقت خانه‌ای در غرب تهران با خبر و راهی محل شدند. بررسی‌ها نشان می‌داد، سارقان با همان شیوه قبلی از طریق یا لکن وارد خانه شده و حدود ۲۰۰ میلیون تومان اموال با ارزش

سرقت کرده‌اند. مأموران در بررسی‌های محل حادثه با برگه جریمه خودرویی روبه‌رو شدند که مشخص شد سارقان بدون آنکه متوجه شوند، برگه جریمه خودروشان را در محل جا گذاشته‌اند. با به‌دست آمدن این سرخ، مأموران شماره پلاک خودروی جریمه شده را از مرکز پلیس استعلام گرفتند که مشخص شد برگه جریمه متعلق به خودروی است که صاحب آن زین جوانی است. با احضار مالک خودرو به اداره پلیس، راز سرقت‌های سریالی سارقان میلیاردی بر ملا و معلوم شد شوهر زین جوان عضو باند سه نفره سارقان خانه‌های تهران است که در محل سرقت، برگه جریمه خودروی همسرش را جا گذاشته است. در ادامه مأموران سه سارق را شناسایی و دستگیر کردند. سارقان که چندین سابقه سرقت در کارنامه‌شان ثبت شده بود، به ۱۶ سرقت از خانه‌های تهران و سه سرقت موتورسیکلت اعتراف کردند. بررسی مأموران نشان داد سارقان در دستبرد به خانه بیش از یک میلیارد تومان به جیب زده‌اند.

مأموران به تحقیقات بیشتر به دستور قاضی عموزاد در اختیار کارآگاهان پلیس آگاهی قرار گرفتند.

فریودن تقسیم کردم. متهم ادامه داد: بعد

از حادثه جسد را داخل کارت‌ن بسته‌بندی کردم و آن را با چرخ‌دستی به خیابان باب‌همایون بصردم. کارت‌ن را کنار مغازه‌ای رها و فرار کردم.

فریودن هم وقتی در جایگاه قرار گرفت حرف‌های همدستش را تأیید کرد و گفت: من در جریان قتل نقشی نداشتم. همه پول و طلاها را هم اکبر سرقت کرده و چیزی از اموال مقتول را برنداشتم. هیئت قضات بعد از شوری اکبر را به قصاص و ۱۰ سال حبس و فریودن را به سه سال حبس محکوم کرد. این حکم بعد از ارسال به دیوان عالی کشور بعد از تأیید در آستانه اجرا قرار داشت که متهم توانست با پرداخت ۴۰۰ میلیون تومان و جلب رضایت اولیای‌دم از مرگ فاصله بگیرد. بنابراین او روز گذشته از جنبه عمومی جرم در شعبه دوم داد‌گاه کیفری ۱ مقابل قضای زالی پای میز محاکمه ایستاد. متهم گفت: در این سال‌هایی که زندان بودم هر روز خودم را به خاطر و سوسه‌های شیطان لعنت می‌کردم و به خودم ناسزا می‌گفتم. خانواده‌ام برای تهیه پول دیه همه زندگی‌شان را فروخته‌اند و دخترم هر چه منتظر فریودن ماندم، او نیامد به خاطر همین با چوب ضربه‌ای به سر رضا حادثه را به شرح داد و گفت: من و فریودن هر دو مشکل مالی داشتیم به خاطر همین از رش آن ۵۰ میلیون تومان بود که آن را با



سرقت کنیم. البته ما قصد قتل نداشتم و هدفمان سرقت بود. متهم گفت: روز حادثه هر چه منتظر فریودن ماندم، او نیامد به خاطر همین با چوب ضربه‌ای به سر رضا حادثه را به شرح داد و گفت: من و فریودن هر دو مشکل مالی داشتیم به خاطر همین از رش آن ۵۰ میلیون تومان بود که آن را با



کاترین در محل انتقال جسد

و سکه‌هایش را سرقت کردم. بعد هم با

فریودن تماس گرفتم و ماجرا را شرح دادم. فریودن فقط در انتقال جسد به من کمک کرد و نقشی در قتل نداش.

بعد از اعتراف متهم، بود که فریودن هم بازداشت شد و حرف‌های همدستش را تأیید کرد. با کامل شدن بررسی‌ها، اکبر

نوزاد گمشده در بهزیستی پیدا شد!

نوزاد هشت‌ماهه‌ای که به طرز مرموزی

همراه خودروی مادرش رپوده شده بود،

پس از یک روز پیدا شد. تحقیقات مأموران

برای بر ملا شدن راز این حادثه ادامه دارد.

به گزارش خبرنگار ما، ساعت ۱۹ شامگاه ۱۷ اسفندماه بود که زن جوانی خودروی پژوآش را در یکی از خیابان‌های غربی تهران پارک کرد و در حالی که دختر هشت‌ماهه‌اش در صندوق عقب خواب بود، برای ابر رفتن نان از خودرواش پیاده شد و همسر برادرزاده شش‌ساله‌اش به طرف نانواپی حرکت کرد. زن جوان لحظاتی بعد وقتی به محل پارک خودرواش آمد، متوجه شد ننه خبری از خودرواش است، نه خبری از نوزاد هشت ماهه‌اش. وی در حالی که شوکه شده بود، با داد و فریاد از رهگذران درخواست کمک کرد و لحظاتی بعد با تیمی از مأموران پلیس در محل حاضر شدند. زن جوان در شرح ماجرا، حکایت عجیبی را برای مأموران بازگو کرد که دور از ذهن می‌آمد. وی گفت: ساعتی قبل برای خرید همراه دختر هشت ماهه‌ام برادرزاده شش‌ساله‌ام سوار خودروام شدم و به بازار آمدیم. پس از خرید در راه خانه بودیم که خودروام را کنار خیابان پارک

حوادث

سرویس حوادث ۸۸۹۸۳۵۳

ادعای عجیب سارق مسلح بانک‌های تهران

سارق مسلح نقابداری که با کلاه گیس به چهار بانک در تهران دستبرد زده بود، پس از دستگیری در آخرین سرقت مدعی شد که مهندس سخت‌افزار است و مأموران او را اشتباهی دستگیر کرده‌اند.

به گزارش خبرنگار ما، ساعت یک بعدازظهر روز چهارشنبه ۱۸ اسفندماه بود که مأموران گشت پلیس در خیابان شریعتی حوالی خیابان ظفر نزدیکی بانک ایران‌زمین متوجه شدند، رهگذران سارق مسلحی را که لحظاتی قبل به بانک ایران‌زمین دستبرد زده بود، دستگیر کرده‌اند. پس از دستگیری متهم، مشخص شد وی دقیقی قبل در حالی که نقاب بسه صورت زده بود و کلاه گیسی به سر داشت، وارد بانک ایران‌زمین شد و با شلیک سه تیر هوایی ۵ میلیون تومانی از بانک سرقت کرد و به صورت پیاده در حال عبور بود که رهگذران با شنیدن صدای آژیر بانک او را دستگیر کردند. متهم پس از بازپرس شعبه اول دادسرای ویژه سرقت در اختیار کارآگاهان پلیس آگاهی قرار گرفت. نخستین بررسی‌ها نشان داد متهم همان سارق مسلح نقابداری است که سال قبل و اوایل امسال به سه بانک ملی شعبه تجریش، اقتصادنوین و بانک کارآفرین به صورت مسلحانه دستبرد زده و با پای پیاده فرار کرده است تا اینکه در چهارمین سرقت هنگام فرار از سوی شهروندان دستگیر می‌شود.

مأموران در ادامه برای بررسی بیشتر و شناسایی همدستان احتمالی وی، فیلم دوربین‌های مدار بسته بانک و اطراف آن را مورد بازبینی قرار دادند. بررسی‌ها نشان داد تصاویر به‌دست آمده در آخرین سرقت شباهت زیادی در تصاویر به‌دست آمده در سرقت‌های قبلی دارد که حکایت از آن داشت سارق بانک قبلی، سارق مسلح دستگیر شده است. پس از این مأموران به دستور بازرس پرونده تیرهای کشف شده از متهم را برای آزمایش به آزمایشگاه اسلحه‌شناسی فرستادند و کارشناسان اعلام کردند پوکه‌ها و گلوله‌های کشف شده در محل بانک‌های مورد سرقت شده قبلی از همان اسلحه کشف شده از متهم شلیک شده است. بدین ترتیب متهم صبح دیروز برای ادامه بازجویی به دادسرای ویژه سرقت منتقل شد. در حالی که همه شواهد و مدارک حکایت از آن داشت عامل اصلی سه سرقت قبلی از بانک‌های تهران متهم بازداشت شده است، وی منکر سرقت از بانک‌ها شد و مدعی شد مأموران او را به اشتباهی دستگیر کرده‌اند و حتی از بانک ایران‌زمین هم سرقت نکرده است. متهم در حالی که ادعای می‌کرد مهندسی سخت‌افزار دارد، گفت که بی‌گناه است.

تحقیقات از متهم به دستور قاضی نصرتی از سوی مأموران پلیس ادامه دارد.

قاتل فراری بازداشت شد

پسر جوانی که ۱۰ماه قبل مرد میانسالی را در شهرستان قصرقند به قتل رسانده و به خارج از کشور گریخته بود، پس از ورود به کشور بازداشت شد. این حادثه از دیبهبشت‌ماه امسال اتفاق افتاد که در جریان آن مرد ۵۱ ساله‌ای با شلیک گلوله کشته شد.

بررسی‌های پلیس حکایت از این داشت که عامل قتل پسری ۲۵ ساله است که متواری شده است. بعد از انتقال جسد به پزشکی قانونی تلاش‌ها برای بازداشت متهم به جریان افتاد. خیلی زود معلوم شد که متهم موفق شده است به صورت غیرمجاز از مرزهای شرقی کشور خارج شود. در حالی که بررسی‌ها در جریان بود به پلیس خبر رسید که متهم وارد کشور شده و در یکی از روستاهای مرزی پنهان شده است. بعد از شناسایی مخفیگاه متهم، مأموران پلیس در محل حاضر شدند و او را بازداشت کردند.

سر هنگ حمید نوری، فرمانده انتظامی شهرستان قصرقند گفت: ما بررسی سوابق قاتل مشخص شد که وی دارای چندین فقره سابقه کیفری، شرارت و ایجاد رعب و وحشت و اخلاص در نظم و امنیت عمومی در بخش ساربوک است. وی گفت: متهم به قتل اعتراف کرده و گفته است که با انگیزه شخصی دست به قتل زده است.

ازدواج مجدد

■ هر چند در اسلام اصل بر تک همسری است،اما منعی برای ازدواج مجدد مرد وجود ندارد و مرد می‌تواند در صورت داشتن توانایی مالی، تا چهار همسر دائم اختیار کند. تنها شرطی که در ازدواج مجدد مرد وجود دارد، ضرورت رعایت عدالت میان همسران است. بنابراین به نظر می‌رسد ایجاد محدودیت برای مرد در ازدواج مجدد از طرف قانونگذار، حراست از نظام مقدس خانواده است. براساس قانون خانواده مرد نمی‌تواند با داشتن زن، همسر دوم بگیرد، مگر در موارد زیر:
۱- رضایت همسر اول.
۲- قدرت نداشتن همسر ۱- رضایت همسر اول.
۳- تمکین و اطاعت نکردن زن از شوهر.
۴- ابتلا به جنون در مواردی که فسخ ازدواج ممکن نباشد یا ابتلا به امراض صعب‌العلاج به نحوی که دوام زناشویی برای طرف دیگر در مخاطره باشد.
۵- محکومیت زن به حکم قطعی به مجازات پنج سال حبس یا بیشتر به جزای نقدی که به دلیل ناتوانی از پرداخت منجر به پنج سال بازداشت شود یا به حبس و جزای نقدی به مجموعاً متهم به پنج سال یا بیشتر حبس و بازداشت شود و حکم مجازات در حال اجرا باشد.
۶- ابتلای زن به هر گونه اعتیاد مضرى که به تشخیص داد‌گاه براساس زندگی خانوادگی خلل وارد کند و ادامه زندگی زناشویی را غیرممکن کند.
۷- ترک زندگی خانوادگی از طرف زن.
۸- مقیم بودن زن.
۹- غایب و مفقودالائز شدن زن.



باشگاه حقوقی